

بررسی روحیه پایداری جوانان در اشعار شاعران زن معاصر (ژاله قائم مقامی و پروین اعتصامی و سیمین بهبهانی)*

دکتر حسینعلی پاشاپاسندی^۱

دکتر حسین پارسایی^۲

مکرمه حمیدی^{۳*}

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی چگونگی ارتباط جوانان با مقوله‌ی مقاومت و پایداری در اشعار شاعران زن معاصر ایران؛ ژاله قائم مقامی، پروین اعتصامی و سیمین بهبهانی و تأثیر اشعار آنها بر اهداف و روحیات جوانان نگاشته شده است. در این پژوهش سعی شده تا دیدگاه‌های این شعرا را در مورد جوانان و پایداری مورد مطالعه قرار دهیم. لذا روشی که در این تحقیق به کار بستیم توصیفی - تحلیلی بوده و شیوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای است که از کتاب، فیش، نرم‌افزارهای ادبی به عنوان ابزار این تحقیق استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد فضای اجتماعی دوران معاصر زمینه را برای خلق این اشعار از طرف شعرای زن معاصر بسیار مهیا کرده بود و بر روحیه‌ی ایستادگی جوانان مؤثر واقع گردیده بود.

کلید واژه: جوانان، پایداری، شعر، شاعران زن معاصر، سیمین بهبهانی، پروین اعتصامی و ژاله قائم مقامی.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۶/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۵

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر، قائمشهر، ایران pasha_ha@yahoo.com

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر، قائمشهر، ایران

۳- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، بابل، ایران (نویسنده مسؤول) research@baboliau.ac.ir

۱- مقدمه

از جمله مهم‌ترین عناصر برای مطالعه مسائل اجتماعی یک جامعه، تولیدات ادبی است. ژاله قائم مقامی و خصوصاً پروین اعتصامی و سیمین بهبهانی از جمله شاعران بلندآوازه و نامدار کشورمان هستند که در حوزه ادبیات شناخته شده‌اند. آنها اشعاری در نقد شرایط جاری سال‌های پس از مشروطه دارند که حاکی از واکنش‌های طبیعی آنان به وضع زمانشان می‌باشد. در شعر آنان می‌توان رنج مردم بینوا و فقیر جامعه را به خوبی مشاهده کرد که با بیانی انتقادی آلام جامعه‌ی خویش را بازتاب داده‌اند.

شیوایی شعر و زیبایی کلمات شاعران مذکور در خدمت مفاهیم متعالی شعرشان بود و شعر را برای شعر نمی‌سرودند؛ بلکه از سرودن شعر نیت و هدفی داشتند که انتقال یک پیام مشخص بود. البته باید یادآور شد که در ضمن توجه به محتوا از زیبایی ساختاری و صوری شعر غافل نبوده‌اند. یکی از موضوعاتی که روی آن تأکید زیادی داشته‌اند، معتنم شمردن فرصت زندگی و مقاومت و پایداری در برابر ظلم و استبداد زمانه است که باعث می‌شود گاهی کلامشان به تلخی بگراید؛ اما معنای آن ناکامی و ناامیدی نیست؛ بلکه دعوت به امید و ایستادگی و پایداری است. اگر این شعرا در شعرشان از حاکمان انتقاد می‌کنند، مردم و جوانان را هم رها نمی‌کنند و وظایفی را هم برای بهتر شدن جامعه‌شان به دوش آنها می‌گذارند. دفاع از محرومان جامعه در کلام آنان خصوصاً در اشعار پروین اعتصامی زیاد به چشم می‌خورد و رسالت شاعری خود را با توجه به دردها و سیاست‌های حاکم بر جامعه‌ی خود تا حدود زیادی به خوبی انجام داده‌اند.

۲- بیان مسأله

تغییرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران در دوران پیش از مشروطه، مشروطه و پس از آن، نگرش جامعه را نسبت به مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره متحول ساخت، یکی از مهمترین این مسائل مسأله‌ی جوانان و پایداری آنان بود شاعران معاصر نیز هم پا و هم سو با دیگر افراد جامعه، روحیه‌ی مقاومت و پایداری را بین همگان ترویج می‌کردند که ما در این پژوهش سعی کردیم تا از میان گروه عظیم شاعران خوب معاصر، شعر سه شاعر زن (ژاله قائم مقامی، پروین اعتصامی و سیمین بهبهانی) را به عنوان گروه هدف مورد مطالعه قرار داده و نشان دهیم که چگونه شاعران زن با سلاح بیان خود به مبارزه با ظلم‌ها، تبعیض‌ها و رنج‌های جاری در جامعه پرداختند و با توجه به روحیه‌ی لطیف خود از ناملایمات نهراسیدند؛ بنابراین دیوان اشعار آنها را به دقت مورد مطالعه قرار دادیم و شواهدی را که مرتبط با موضوع پژوهش ما بود استخراج کردیم و پس از آن با تحلیل هر یک از این شواهد شعری، دریافتیم که آنها

روحیه امید و پایداری را در جوانان با بیان مردانه‌ای که از ظرافت‌های زبان زنانه سود می‌برد، تقویت می‌کردند.

در دوران معاصر جوانان خصوصاً روشنفکران با توجه به پیشرفت و ترقی غرب و مقایسه‌ی آن با جامعه خویش با حقیقتی مواجه شده بودند که بیانگر رشد نیافتگی علمی و اقتصادی بود. به همین منظور در صدد تغییر آن برآمدند و برای رسیدن به پیشرفت آزادی، برابری حقوق زن و مرد و حق حاکمیت ملی و دوری از تبعیضات طبقاتی به تلاش و مبارزه پرداختند. بنابراین نشان دادن این که چگونه برای توفیق یک هدف جمعی، همه ارکان جامعه باید با هم هماهنگ باشند، نکته‌ی مهمی است که برای تبیین آن باید به سایر جوانب توجه نمود؛ به همین جهت برای مشخص کردن نقش ارزنده‌ی شاعران زن معاصر و سهم بودن آنان در این تلاش‌ها و مبارزات، توجه به پژوهش‌هایی این چنینی اهمیت می‌یابد. هدف این پژوهش آن است تا نشان دهد که ژاله قائم مقامی، پروین اعتصامی و سیمین بهبهانی چگونه جوانان را به سمت پایداری، مقاومت و تلاش برای آبادانی و پیشرفت جامعه تشویق و ترغیب نموده‌اند.

۳- پیشینه پژوهش

باوری پور (۱۳۸۵) در نقد و نظر، می‌گوید ژاله قائم مقامی در اشعارش بیشتر شکایت و اعتراض از نوع جنسیتی دارد او گله‌مند از نابرابری حقوق زن و مرد است او غرنده بر مردان خودبرتر بین و زن‌آزار است که آنان را به مردی نمی‌شناسد. او تشویق‌کننده‌ی زنان خصوصاً دختران جوان است که می‌توانند با همتشان نشان دهند کمتر از مردان نیستند. همچنین بخاطر ازدواج نامناسبش از پدران و مادرانی که مسبب ازدواج زودهنگام جوانانشان می‌شوند شکوه و شکایت می‌کند و او با خروشی خردمندانه رسم ناروای ازدواج دخترکان نه ساله و ناراضی را زیر سؤال می‌برد. ژاله قائم مقامی اعتراض خود را به نبودن آزادی برای زنان با شعر «بلندآوایی» به گوش همگان می‌رساند.

خلیلی جهانتیغ و قدیر (۱۳۹۰) در مقاله خود بیان داشتند که ژاله قائم مقامی در چاه‌های غرأ زنان و دختران جوان سرزمینش را به آزادی و برگرفتن بند حقارت و اسارت از پای خویش فرا می‌خواند و از ایشان می‌خواهد هر مانعی را از سر راه بردارند، اما گویی به شدت نگران به خطر افتادن عزت نفس و روح انسانی آنهاست.

کراچی (۱۳۸۹) در کتاب «بررسی زندگی و شعر ژاله قائم مقامی» می‌گوید ژاله قائم مقامی از چشم‌انداز یک زن، امور زندگی را می‌دید بی‌راه نیست اگر بگوییم ژاله نوعی خاص از ادبیات زنانه را آغاز کرد که پیش از او سابقه نداشت، زیرا او نه به سلیقه مردان نوشت و نه از آنان تقلید کرد. او با حدیث

نفس خود، فردیت زنانه‌اش را بیان کرد و درونش را نگاشت؛ اگرچه او هیچ تعمدی برای ساختن شعر زنانه نداشت، اما ذهنیت زنانه‌اش، زبان زنانه‌ای آفرید که نقش خواسته‌ها و آرزوهای بی‌پرده یک زن بر صفحه کاغذ بود و در بیان درد دل‌ها، اعتراض‌ها و گلایه‌هایش چنان صمیمیت و صراحتی داشت که همین حالت طبیعی بیان، یکی از ویژگی‌های شعر او محسوب شد و این درست نقطه مقابل سنت پوشیده‌گویی و رفتار سنتی زن در جامعه ایران بود. در ساختار فرهنگی ایران مصلحت‌گرایی، اطاعت و دنباله‌روی از الگوهای مرسوم به خصوص برای زنان، ارزش تلقی شده و با هر هنجارگریزی او برخورد شده است. اما ژاله در شیوه بیان، نوع نگرش و اندیشه با دیگران تفاوت داشت؛ به رفتارهای مستبدانه اطرافیان و پدر و مادر و همسر انتقاد می‌کرد و به قانون‌های نادرست و اصول اخلاقی اجتماعی اعتراض داشت.

مؤید (۱۳۶۸) در مقاله «جایگاه پروین اعتصامی در شعر فارسی» می‌گوید پروین اعتصامی در یکی از لحظه‌های بحرانی تاریخ ایران زندگی می‌کرد و بخاطر جو نامناسب سیاسی، تنفس در آن فضا برایش آزاد نبود و به پروین مجال اظهار صریح و بی‌پرده اندیشه‌هایش داده نمی‌شد، بیست سال دوران خلاقیت شاعرانه او دقیقاً همان بیست سال فرمانروایی رضا شاه بود که طی آن حق آزادی سخن پایمال گشت. پروین که دختر جوان و گمنامی بود برای بیان مخالفت و اعتراض خود شیوه خاصی ابتکار کرد و در شعر خویش جهانی افسانه‌ای آفرید که در آن عناصر ستیزنده با یکدیگر رمز عوامل متنازع اخلاقی و اجتماعی و سیاسی کشور و زبان حال طبقات مظلوم و درمانده عموم مردم و خصوصاً جوانان بود. پروین به همه - فهماند که تلخکامی، درد، رنج، ظلم و ستم و... نباید انسان را ناامید گرداند. او برای درمان این دردها و ناملایمات دو راه را پیشنهاد می‌کند: کار و ایمان. در نظر او کار مانند حرکت، قانون عالم هستی و یگانه راه مقاومت با رکود و پوسیدن و مردن است. ولی باز هم او کار را دستور زندگی و داروی فراموشی یا تسلیم به نظام این جهان متحرک می‌داند که به تنهایی «اطمینان قلب» نمی‌بخشد و پاسخگوی پرسش انسان در باب راز آفرینش و هستی و مرگ نیست و داروی اصلی این دردهای جانکاه را ایمان می‌داند.

رحیمی در مقاله خود با عنوان «نقد اخلاقی اشعار پروین اعتصامی با محوریت متون اسلامی» در مورد این شاعر گفته است قریحه و هنر خویش را در خدمت رواج و گسترش اندیشه‌های انسان دوستانه و اخلاقی قرار داده و بی‌پروا در راه وصول به این مقصود گام برداشته است. هر چند این بانوی سخنور مضامین مختلف اجتماعی، سیاسی و بعضاً عرفانی را مطرح کرده؛ اما آنچه بر سر دیوانش سایه افکنده و آن را به اثری تعلیمی شهره ساخته، مسائل اخلاقی است. وی در سراسر اثر خود ناظر به آرمان شهری است که برای دستیابی بدان از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزد و برای پایه ریزی چنین مدینه‌ی فاضله‌ای تنها راه، تزکیه‌ی درون و رشد فکری و معنوی اهالی آن شهر خصوصاً جوانان از طریق برخورداری از دانش و آگاهی می‌داند. اخلاقی که دیوان پروین را تحت‌الشعاع خود قرار داده اخلاقی است انسانی که البته با

موازن اخلاق آئینی و اسلامی هم سویی و سازگاری ژرف دارد. هر چند سروده‌های تعلیمی پروین سرشار است از مضامین بکر و ناب، باید و نبایدهای تأثیرگذار و عمیق و به دور از خیال‌بافی در لباسی دلکش و دلربا، اما حقیقت آن است که او ادب و هنر را در خدمت اخلاق قرار داده؛ نزد وی بیان نکات اخلاقی بسی مهمتر و با ارزش‌تر از نمایش هنر شاعری بوده است.

صادقی (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «تبیین مؤلفه‌های هویت سنتی و مدرن زن در شعر پروین اعتصامی» گفته است پروین در بسیاری جهات مرشد و معلم همه زنان و مردان بعد از خودش می‌باشد. او نه تنها در برابر تراژدی غم بار که سرنوشت برایش رقم زده بود تسلیم نشد بلکه با اراده استوار و قدرت پایداری خویش، پوچی و «ابتدال را به زانو در آورد و نشان داد که قادر است با بردباری و مقاومت دست جامعه خویش را بگیرد و به کوی فضیلت رهنمون شود و از مصادیق راستین «خیرالناس انفعهم للناس» آید. پروین اعتصامی از کنار مردم زمانه و جامعه خویش بی‌اعتنا عبور نمی‌کند. ستم ستیزی و درگیری با بیداد، شاخصه وجه اجتماعی شعر اوست. تقارن زندگی پروین اعتصامی با دوران اختناق، باعث شده بود که او این وجوه را به شکلی پوشیده و پنهان ارائه کند. گاه او آشکارا بر ظلم و ظالمان می‌تازد؛ اما با استفاده از داستان‌های تاریخی، به ظاهر این فریاد را متوجه گذشته می‌کند و در واقع خویشان را از هجوم دستگاه سانسور حکومت مصون نگاه می‌دارد. قطعات «اشک یتیم»، «مست‌وهشیار»، «شکایت پیرزن»، «نامه به انوشیروان» و «دزد خانه» از این گونه اشعار به شمار می‌روند. گاه نیز با استمداد از تمثیل‌های کلیله و دمنه‌وار و به کارگیری شخصیت‌هایی از میان حیوانات و اشیاء از ستم و جور سخن می‌گوید و وضع حاکم بر اجتماع خویش را به شیوه‌ای غیرمستقیم نقد می‌کند. آری پروین شاعری است که باغ و بهارش هم دلی با محرومان و مستمندان جامعه است. هدفش ترمیم دل‌های شکسته خصوصاً وضعیت نابسامان جوانان و کاهش دادن خلیقات ناپسند مرسوم است.

زواریان (۱۳۸۵) در مقاله خود می‌گوید، سیمین بهبهانی در دوره اول شاعری‌اش در سروده‌ها تنها از حیات پرمشقت و اندوه بار زن ایرانی و مفاسدی اجتماعی که گریبانگیر او بود سخن گفته است، شاعر با دیدن وضعیت وخیم اخلاقی و فرهنگی جامعه دلش به درد آمده و او نتوانست نسبت به وضعیت منحرف، نابسامان و دردآور زن را در جامعه مربوط به همجنسان خودش می‌باشد بی‌تفاوت باشد بلکه هر لحظه، فریاد زنی را که هوو دارد، پایه علت داشتن مشکلات اقتصادی مجبور به انجام اعمال خلاف عفت جامعه است، یا زن رقاصه‌ای که اگرچه شاد است ولی درونش زخمی است از این همه ستمی که به او روا داشته شده، با گوش جان می‌شنود و با احساس زنانه آن را درک می‌کند و عمیقاً دردمند می‌شود و اشعاری سوزنده و دردآور را می‌سراید. او به حضور مؤثر زن در عرصه گاه‌های تلاش و مبارزه خلاق جامعه آگاه

است و کارآیی و دستاوردهای مسؤولیت‌پذیر زن و دختران جوان را شناخته است و با شناخت این نیاز، با مخاطب قراردادن کولی! می‌سراید: «کولی» سمبل آوراگی سالیان زن است و دردها و ستم‌هایی که بر او رفته است زبان او بیشتر مردانه است و شخصیت مورد نظر در شعر او زن است و صحبت پیرامون اوست و شعری که «من» زنانه‌ی سیمین در آن حضور داشته باشد کم است و بیشتر چهره‌ها و شخصیت‌های گوناگون زن را در جامعه تصویر کرده است.

به گفته نشریه علوم تربیتی (۱۳۵۷)، سیمین از دید اجتماعی خاص برخوردار است و از مسائل زمانه، به خصوص مشکلات زن در اجتماع غافل نیست، همچنین بدلیل اشتغال به کار معلمی و سروکار داشتن با جوانان، همواره جوان می‌اندیشد و امیدوار به آینده است و این معنی در اشعار او نیز نمایان است.

گرچی (۱۳۸۹) در مقاله خود «مفهوم درد و رنج در نگاه شاعران زن معاصر» می‌گوید سیمین بهبهانی را یکی از نمایندگان جریان جدید ادبیات زنانه و همچنین به عنوان بانوی غزل ایران می‌شناسند. زبان و احساس خاص زنانه از مهمترین ویژگی‌های عاشقانه‌ی این شاعر است ولی در بعضی از عاشقانه‌های سیمین، گاه گرایش به غزل سنتی و کلاسیک فارسی که روح و زبان مردانه در آن حاکم است، دیده می‌شود. علاوه بر این، ویژگی بارز تغزل‌های سیمین در نوع و کارکرد زبان و موسیقی بیرونی و عروض منحصر به فرد است که خود سیمین مبدع آن می‌باشد. این شاعر عاشقانه‌های خود را با مسائل وطنی و حتی مسائل فرهنگی و سیاسی پیرامون خود پیوند زده است. محور اساسی تغزل‌های اجتماعی سیمین بهبهانی «انسان» است. او به انسان، به دور از جنسیت و مرزهای جغرافیایی اش اندیشید و شعرش را تجلی - گاه عواطف و دغدغه‌های او قرار داد.

۴- روش پژوهش

روش پژوهش تحلیل محتوای اشعار شاعران بوده است که با استفاده از روش شناخت منابع، مطالعه منابع و فیش برداری در صدد بررسی روحیه پایداری جوانان در اشعار شاعران زن می‌باشیم. فرضیات زیر در این زمینه مطرح هستند.

به نظر می‌رسد پروین اعتصامی بیشتر به صورت غیرمستقیم به بیان شاخصه‌های مقاومت و پایداری جوانان پرداخته است.

به نظر می‌رسد سیمین بهبهانی و ژاله قائم مقامی بیشتر به صورت مستقیم شاخصه‌های مقاومت و پایداری جوانان را بیان کرده‌اند.

گویا سیمین بهبانی و ژاله قائم‌مقامی به مسائل زنان و برانگیختن انگیزه‌های مقاومت آنان در برابر تفاوت‌ها و تبعیض‌های مردان علیه زنان توجه بیشتری نشان داده‌اند.

۵- یافته‌های تحقیق

۵-۱- ژاله قائم‌مقامی

ژاله متأثر از تحولات اجتماعی دوره مشروطه، طالب تغییر وضع زنان شد و از آنها خواست که بدون چشم‌داشتی از مرد، به پاخیزند و آزادی را خود به دست آورند. ژاله قائم‌مقامی از چشم‌انداز یک زن، امور زندگی را می‌دید و نوعی خاص از ادبیات زنانه را آغاز کرد که پیش از او سابقه نداشت، زیرا او نه به سلیقه مردان نوشت و نه از آنان تقلید کرد. او درونش را نگاشت؛ اگرچه او هیچ تعمدی برای ساختن شعر زنانه نداشت، اما ذهنیت زنانه‌اش، زبان زنانه‌ای آفرید که نقش خواسته‌ها و آرزوهای بی‌پرده یک زن بر صفحه کاغذ بود و این درست نقطه مقابل سنت پوشیده‌گویی و رفتار سنتی زن در جامعه ایران بود. در ساختار فرهنگی ایران دوران مشروطه مصلحت‌گرایی، اطاعت و دنباله‌روی از الگوهای مرسوم به خصوص برای زنان، ارزش تلقی شده و با هر هنجارگریزی او برخورد شده است. اما ژاله در شیوه بیان، نوع نگرش و اندیشه با دیگران تفاوت داشت؛ به رفتارهای مستبدانه اطرافیان و پدر و مادر و همسر انتقاد می‌کرد و به قانون‌های نادرست و اصول اخلاقی اجتماعی ناشایست اعتراض داشت.

۵-۱-۱- برانگیختن جوانان علیه تبعیضات حاکم

الف) نظام مرد سالاری

ژاله قائم‌مقامی از سنت‌هایی که برای مرد بیشتر از زن ارزش قائل می‌شده است، شکایت می‌کند.
 برفراز کاخ هستی او به پرواز است و ماهم جنبشی داریم در کنج قفس پر بسته اما
 دست‌قدرت فرش کردست از ازل باغ جنان را زیر پای مادران بر روی ما در بسته اما
 ...
 گر نبازی خویش را ای آشیان گم کرده ای زن غیر از این ره نیز باشد راه دیگر بسته اما
 تا برون آید زن از این محبس مرد آفریده دست و پا باید که هست ای جان خواهر بسته‌اما

(قائم‌مقامی، ۱۳۸۹، فرق مرد و زن، ۱۴-۱۳)

یا در این ابیات قائم مقامی تفاوت بین مرد و زن را در جامعه‌ای که زندگی می‌کرده به زیبایی به تصویر می‌کشد.

زن چیست خضوع مجسمی و ان مرد غرور مصوریست

آری بود او مرد و من زنم
زن ملعبه‌ی خاک بر سریست

دردا که درین بوم ظلمناک
زن را نه پناهی نه داور یست

گرام وجود و عدم نهند
بر مرد و به زن نام درخوریست

(قائم مقامی، ۱۳۸۹، نکوهش شوهر، ۱۹-۱۸)

ب) تبعیض جنسیت

قائم مقامی سنتهای مرد ساخته را برای جامعه آشکار می‌کند و به مردمانش می‌فهماند که خدا و پیامبرش هیچگاه چنین رفتاری را در قبال زن نخواستند و نوشتند و بر مردمان به صورت عام و مردان به صورت خاص فریاد می‌زند و می‌تازد که؛

مذهب ما گرچه اکنون در کف زور آزماست
خاص مردانست این حقهای از مذهب جدا

این تو این آئین اسلام آنچه می‌گوئی کجاست؟
این کتاب آسمانی وین تو، آخر شرم دار

کی پیمبر جنس زن را اینچنین بیچاره خواست
کی خدا پروانه‌ی بیداد را توشیح کرد

...

گر پیمبر بود، زن را همطراز مرد گفت
وی بسا حق‌ها که او را داد و اکنون زیریاست

(قائم مقامی، ۱۳۸۹، ۱۰، فرق مرد و زن، ۱۳-۱۴)

و از دختران و زنان می‌خواهد که در مقابل تبعیض جنسیت و بی‌عدالتی و حق‌کشی‌هایی که مردان ایجاد کردند نه دین و مذهب خدا، بایستند و پایداری کنند. او به ترقی و تعالی زنان اطمینان دارد مخصوصاً به پیشرفت دختران کشور امید بسته، آینده را در دست آنان می‌بیند و با نوعی از الهام و پیشگویی ایشانرا مخاطب ساخته و می‌گوید:

نور چشما، دخترا، آینده اندر دست تست قدر نعمت را بدان ای گوهر یکتای من

(ژاله قائم مقامی، ۱۰، ۱۳۸۹)

او با فکری پیش‌بین، احساس می‌کند که آزادی زن پس از صدها سال گرفتاری، و برخورداری او از نعمات آزادی بعد از قرن‌ها ناکامی و بی‌مرادی ممکن است موجب افراطها، زیاده‌طلبی‌ها و تندرویهای ناشایست گردد؛ لهذا وی را با صفای کامل اندرز می‌دهد:

پاکدامن باش وز آزادی بجز عزت مخواه راه تاریکان مرو ای زهره زهرای من

(ژاله قائم مقامی، ۱۳۸۹، ۵)

ج) ازدواجهای اجباری و زودهنگام

ژاله قائم مقامی با هنجارشکنی در شعرش حتی به آداب و رسوم که بر جامعه اش حاکم بود شجاعانه تاخت و در مقابل پدر و مادرهایی که دختران جوان و نابالغ خویش را به منزل شوهر می‌فرستادند ایستاده و بر کارشان خرده گرفت تا به آنان بفهماند که آینده جوانان بسیار مهم و ارزشمند است؛
گرفتم آب حیوان بود کوی نازنین شوهر چه می‌شد، گر من از این چشمه کامی تر نمی‌کردم
نگویم پیر و ممسک بود و آتسخو، ولی آخر بدان نابالغی، شوهر، چه می‌شد گر نمی‌کردم

(ژاله قائم مقامی، ۱۳۸۹، چه می‌شد؟، ۶-۷)

ژاله قائم مقامی ظلم و ستمهایی که در پی ازدواجهای اجباری بر پسران و دختران جوان وارد می‌شده و ناشی از سنت و فرهنگ بوده است، اینچنین خرده می‌گیرد.

ازدواج شرعی اندر عهد کفر اندوز ما چیست میدانی؟ حرامی با حلال آمیخته
...
ازدواج شرعی است این یا زنائی شرع رنگ نی غلط گفتم نکاحی با نکال آمیخته
...
الغرض گر نقش هستی را نکو بیند کسی یک جهان زشتی است با قدری جمال آمیخته

۵-۱-۲- تهییج و تشویق جوانان در برابر ظلم و استبداد

همچنین به جوانان به صورت عام و زنان جوان به صورت خاص ندا می‌دهد که با اتحاد و همبستگی می‌توانند حق و حقوق پایمال شده خود را بستانند مثل آنچه که در فرنگ رخ داده است؛
اجتماعی هست و نیرویی زنان را در فرنگ در دیار ما هم از زن جمع گردد فرد نیست
دست و پائی، همتی، شوری، قیامی، کوششی شهر هستی جان من جز عرصه‌ی ناورد نیست
آخر ای زن جنبشی کن تا ببیند عالمی کانچه‌ما را هست، هم زن بیشتر در مرد نیست

(ژاله قائم مقامی، ۱۳۸۹، ۶)

ژاله قائم مقامی علاوه بر اینکه جنس زن و دختر را ترغیب به اتحاد و مقاومت و پایداری می‌کند برای پیروزی و ظفر آنان نیز دست به دعا می‌شود و دعا می‌کند تا از اسارت جنس مرد بیرون آیند و آزاد رها شوند.

بر	شما	دختران	آینده	زندگی جمله نور و شکر باد
...				
زن	برون آید	از اسارت	مرد	وز فراتر نشد برابر باد
من	نگویم	که همچو	ما آن مرد	خار در پای و خاک بر سرباد
قرنها	بوده	جنس زن	مقهور	قرنها جنس زن مظفر باد

(ژاله قائم مقامی، ۱۳۸۹، ۲۰)

۵-۲- پروین اعتصامی

پروین اعتصامی نیز با استفاده از فن مناظره نقطه نظر خود را در خصوص جبر یا تقدیر و بیان حال توده مردم در برابر استثمارگرایی طبقات بهتر و وضع نابسامان بیهوا، سالخوردگان و تهی‌دستان جامعه، آینه‌ای را در مقابل مخاطبان قرار داده است که کژی‌ها و کاستی‌های جامعه و قصور آنها درباره تعهدات اخلاقی را به آنان می‌نمایاند. هر چند سروده‌های تعلیمی پروین سرشار است از مضامین بکر و ناب، باید و نبایدهای تأثیر گذار و عمیق و به دور از خیال بافی در لباسی دلکش و دلربا، اما حقیقت آن است که او

ادب و هنر را در خدمت اخلاق قرار داده و نزد وی بیان نکات اخلاقی بسی مهم‌تر و با ارزش‌تر از نمایش هنر شاعری بوده است.

آشکارترین ویژگی پروین، روحیه ظلم ستیزی و پشتیبانی از محرومان و یتیمان جامعه است، چنان که در شعرهای او نیز تجلی یافته و به اشعارش رنگ سیاسی، اجتماعی داده است. تعداد اشعاری که در آنها به زشت‌نمایی ظلم و ستم ثروتمندان و قدرتمندان جامعه پرداخته، آنقدر بسیار است که سبب حیرت می‌شود.

۵-۲-۱- برانگیختن جوانان علیه تبعیضات حاکم

الف) اختلاف طبقاتی

پروین با مشاهده اختلاف طبقاتی و فرهنگ غلط ارباب و رعیتی، با مشاهده آثار برجای مانده از این سنت غلط و گسترش فقر و تنگدستی هموعانش، احساسات و عواطف انسانی‌اش به قلیان می‌افتد و داد انسان‌های فقیر را در این شعر زیبا «اندوه فقر» به گوش توانگران و اربابان بی‌درد و ظالم می‌رساند؛

من بس گرسنه خفتم و شبها مشام من بوی طعام خانه‌ی همسایگان شنید

(پروین اعتصامی، اندوه فقر، بیت ۱، ۸۲)

یا در شعر «ای رنجبر» از زحمات و رنجهای فراوان جوانان و مردمان جامعه اش سخن می‌گوید در حالیکه اجر و مزدی ناچیز دریافت می‌کنند؛

از حقوق پایمال خویش‌تن پرسشی چند می‌ترسی زهرخان و جناب ای رنجبر
جمله آنان را که چون زالو مکنندت خون بریز و در آن خون دست‌وپائی کن خضاب ای رنجبر

او مردم و خصوصاً قشر جوان را به ایستادگی و مقاومت در برابر ظلم آنها فرا می‌خواند و از آنان دعوت به مبارزه می‌کند. او در همین شعر فریاد فقرا را از ستم اغنیاء که در لباس قانون بر مردم ظلم می‌کنند چنین بیان می‌دارد؛

حاکم شرعی که بهر رشوه فتوی می‌دهد کی دهد عرض فقیران را جواب ای رنجبر

آنکه خود را پاک می‌داند زهر آلودگی می‌کند مردار خواری چون غراب ای رنجبر
گر که اطفال تو بی‌شامند شبها باک نیست خواجه تیهو می‌کند هر شب کباب ای رنجبر

پروین از تبعیض و اختلاف طبقاتی مردمان جامعه اش به شدت رنج می‌برد که مشخصاً در این شعرش آنرا بیان می‌کند؛

درخور دانش امیرانند و فرزندانشان توجه خواهی فهم کردن از کتاب ای رنجبر
هر که پوشد جامه ی نیکو بزرگ و لایق است رو تو صدها وصله داری بر ثیاب ای رنجبر
جامعه‌ات شوخ‌است و رویت تیره‌رنگ از گردوخاک از تو می‌بایست کردن اجتناب ای رنجبر

(پروین اعتصامی، ای رنجبر، بیت ۳ و ۱۳، ۸۲-۸۳)

ب) اختلاف در جنسیت

پروین همچنین از حق کشی‌هایی که نسبت به زنان جامعه‌اش از قدیم‌الایام تا به روزگارش می‌شده گله‌مند بود و شکایت می‌کرد و بر خود لازم دید تا از حقوق پایمال شده هم‌نوعان خویشتن دفاع کند که در شعر (۱۱۸- زن در ایران) بسیار زیبا و روشن از بی‌عدالتی در حق زنان سخن می‌گوید.

زن در ایران پیش از این گوئی که ایرانی نبود پیشه اش، جز تیره روزی و پریشانی نبود
زندگی و مرگش اندر کنج عزلت می‌گذشت زن چه بود، آنروزها، گرزانکه زندانی نبود

و برای نجات زن راه آزادی را اینگونه به او نشان می‌دهد.

بهر زن، تقلید تیر فتنه و چاه بلاست زیرک آن زن، کورهش این راه ظلمانی نبود

۵-۲-۲- تهییج جوانان در ایستادگی بر علیه ظلم

در شعر «اشک یتیم»، شاه به طور کلی مورد بحث قرار می‌گیرد و سمبل ظلم و جور معرفی می‌شود. پروین در این شعر نه تنها با شاه مستبد سر ستیز دارد، بلکه به مردم به صورت عام و جوانان به صورت خاص می‌فهماند که حاکمان با ظلم و ستم و بی‌عدالتی در حق مردمان توانستند به حکومت و پادشاهی برسند.

پرسید زان میانه یکی کودک یتیم کاین تابناک چیست که بر تاج پادشاست
 آن یک جواب داد چه دانیم ما که چیست پیداست آنقدر که متاعی گرانبهاست
 نزدیک رفت پیرزنی گوژپشت و گفت این اشک دیده من و خون دل شماسست
 ما را به رخت و چوب شبانی فریفته است این گرگ سالهاست که با گله آشناست
 ...
 بر قطره سرشک یتیمان نظاره کن تا بنگری که روشنی گوهر از کجاست

(اعتصامی، ۱۳۶۳، مناظره ۸/ص ۷۹)

۵-۲-۳- بیان غیرمستقیم برای ایجاد روحیه پایداری در جوانان

یکی دیگر از مناظره‌هایی که پروین در آن به ظلم ستیزی پرداخته، «ستم اغنیاء» است. وی در این مناظره به جوانان می‌گوید، در حالیکه اغنیا در آرامش و آسایش بسر می‌برند فقیران در سختی روزی به دست می‌آورند و به نحوی در لفافه آنان را برای گرفتن حقوق پایمال شده برمی‌انگیزاند؛

گفت چنین، که ای پدر نیک رای صاعقه ی ما، ستم اغنیاست
 پیشه آنان، همه آرام و خواب قسمت ما، درد و غم و ابتلاست
 دولت و آسایش و اقبال و جاه گر حق آنهاست، حق ما کجاست
 قوت به خوناب جگر می‌خوریم روزی ما، در دهن اژدهاست
 غله نداریم و گه خرمن است هیمه نداریم وزمان شتاست
 حاصل ما را دگران می‌برند زحمت ما زحمت بی‌مدعاست

(اعتصامی، ۱۳۶۳، مناظره ۷۹/۳۲۲-۳۲۳)

سیمین بهبهانی از اولین شاعران زن ایرانی است که حتی پیش از شروع جنگ تحمیلی با اشعار خویش، در خصوص جریان پایداری و مبارزه ایرانیان در مقابل رژیم پهلوی، ریشه‌های این جریان شعری را در ادبیات فارسی آبیاری کرد. سیمین بهبهانی را یکی از نمایندگان جریان جدید ادبیات زنانه و همچنین به عنوان بانوی غزل ایران می‌شناسند. زبان و احساس خاص زنانه از مهمترین ویژگی‌های عاشقانه‌ی این شاعر است. این شاعر عاشقانه‌های خود را با مسائل وطنی و حتی مسائل فرهنگی و سیاسی پیرامون خود پیوند زده است. محور اساسی تغزل‌های اجتماعی سیمین بهبهانی «انسان» است. او به انسان، به دور از جنسیت و مرزهای جغرافیایی‌اش اندیشید و شعرش را تجلی‌گاه عواطف و دغدغه‌های او قرار داد. این شاعر بزرگ به جوانان نیز نگاهی ویژه داشت و با به تصویر کشیدن درد و رنج آنها و همدردی با آنها راه مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و بیداد را برایشان هموار می‌ساخت.

سیمین ظلم و استبدادی را که جامعه و حکومت و فرهنگ و سنت بر مردم و خصوصاً جوانان وارد می‌کرد برای آنها می‌نمایاند و روحیه پایداری و ایستادگی و مقاومت را در آنان برمی‌انگیزد.

۵-۳-۱- برانگیختن جوانان علیه تبعیضات حاکم

الف) نظام مردسالار

او در شعر «فعل مجهول» به صراحت بر بی‌عدالتی‌های نظام مردسالار زمانش می‌تازد و از ظلمی که مردان بر زنان و کودکان روا می‌داشتند اینچنین پرده برمی‌دارد:

زیر آتشفشان دیده‌ی من

ژاله آرام بود و سرد و خموش

...

آنچه در آن نگاه می‌خواندم

قصه غصه بود و حرمان بود.

نال‌های کرد و در سخن آمد

باصدایی که سخت لرزان بود

«فعل مجهول فعل آن پدری ست

که دلم را زردد پر خون کرد،

خواهرم را به مشت و سیلی کوفت

مادرم را زخانه بیرون کرد.

...

«فعل مجهول فعل آن پدری ست

که تو را بیگناه می سوزد

آن حریق هوس بود که در او

مادری بی پناه، می سوزد...» (بهبهانی، ۱۳۷۱، ۱۳۱-۱۳۴)

ب) تبعیض جنسیت

سیمین در کتاب دشت ارژن شانزده شعر به نام کولی‌واره دارد که در واقع این کولی تصویری از همه‌ی زنان ایرانی است، همه‌ی زنانی که در عمق سنتها گرفتار آمده‌اند و سیمین از جانب آنان فریاد برمی‌آورد.

کولی به حرمت بودن، باید ترانه بخوانی

شاید پیام حضوری تاگوش‌ها برسانی

یعنی به زنان می‌گویند با صدایی رسا به همراه علم و آگاهی، حضور مؤثر خود را در جهان هستی به

گوش همگان برسانید.

اعصار تیره‌ی دیرین، در خود فشرده تنت را

بیرون گرا که چونقشی در سنگواره نمایی

او به زنان به طور عام و دختران جوان به طور خاص می‌گوید این سنت‌های قدیمی تو را همچون فسیلی

کرده است باید خودت را از این سنت‌های قدیمی که مانع از پیشرفت تو و جامعه‌ات می‌شود برهانی.

کولی برای نمردن باید هلاک خموشی

یعنی: به حرمت بودن، باید ترانه بخوانی

به زنان می‌فهماند برای اینکه نابود نشوید باید سکوت را بشکنید و برای اینکه بودن خود را و حضور

خود را ثابت کنید از حقوق پایمال شده‌ی خود دفاع کنید و فریاد برآرید. (بهبهانی، ۱۳۶۲، کولی‌واره ۱۳،

۴۳)

الف) تهییج جوانان بر علیه حکومت داخلی

او از دروغ و ریائی که بر جامعه‌اش حاکم بود و توسط حکومت زمانش سامان دهی می‌شد و سبب بی‌اعتمادی و سست شدن اعتقادات مردم و خصوصاً جوانان می‌شده، در شعر «مخوان...» به زیبایی سخن می‌گوید.

مخوان مخوان غلط انداز دست شیطان را،

اگرچه نقش زند آیه‌های ایمان را.

...

نمایشی ست که از پشت پرده دست کسی

به رقص آورد این سایه‌های بی‌جان را...

...

به مرگ باور خود گریه می‌کنم، که هنوز

یقین نداشته حتی وجود انسان را! (بهبهانی، ۱۳۷۱، ۱۶۴-۱۶۵)

سیمین در کتاب «رستاخیز» خود در قالب غزل اشعاری سرشار از مفاهیم اجتماعی و بیرونی سروده است که اشاره مستقیم به حکومت ظالم حاکم دارد و در نسل بیتاب جوان انعکاسی ژرف برجای گذاشت که آثار آن را در پیروزی مردم بر علیه نظام و حکومت پهلوی شاهد بودیم.

وقتی که سیم حکم کند، زر خدا شود وقتی دروغ داور هر ماجرا شود

وقتی هوا - هوای زیست سرپوش مرگ بر سر صدها صدا شود

وقتی در انتظار یکی پاره استخوان هنگامه‌یی از جنبش دُماها به پا شود

وقتی که سوسمار صفت، پیش آفتاب یک رنگ، رنگها شود و رنگها شود

وقتی که دامن شرف و نطفه گیر شرم رجاله خیز گردد و پتیاره زا شود

بگذار در بزرگی این منجلاب یأس دنیای من به کوچکی انزوا شود

او در این شعر تنفر خویش را از نظام حاکم آشکارا به گوش همه‌ی انسان‌ها خصوصاً نسل جوان می‌رساند. یا در شعر «چشم لعلی رنگ خرگوشان» کاملاً به حکومت فاسد و جو خفقان و عاری از آزادی رژی پهلوی می‌پردازد و از ظلم و جور و تباهی آن نظام گله و شکایت دارد.

تشنه می‌میرم، که در این دشت آبی نیست، نیست وین همه موج بلورین جز سرابی نیست، نیست

...

هرچه می‌بینم سیاهی، کوه، کوه؛ در پس این تیرگی ها آفتابی نیست، نیست

چشم لعلی رنگ خرگوشان این کهسار را دیگر از بیم پلنگان تاب خوابی نیست، نیست

(همان، ۱۳۷)

او در کتاب «خطی ز سرعت و از آتش» بخاطر کشتار جمعه سیاه، با اینکه خصلت درونی او بر پایه‌ی مهربانی و دوستی بود ولی به ناگاه در شعر «چه سکوت سرد سیاهی» اینچنین فریاد می‌کشد.

...

به حریم تربت مردان ز حریر پرده نظر کن

که به باد رفته چه سرها به لزوم پاس کلاهی!

من و بانگ نفرت و نفرین، که نمانده چاره به جز این؛

تو و همنوایی «آمین» چو فغان کنم که «الهی!...» (بهبهانی، ۱۳۶۰، ۸۷)

ب) ایستادگی در مقابل دشمنان خارجی

با وجود طبعی لطیف و مادرانه و پر از عطوفت سیمین، حوادث و زورگویی دشمنان خارجی در آن روزها چنان قلب او را می‌فشارد که از ذهنی که جنگ و خونریزی نمی‌شناخت اینچنین شعری تراوش می‌شود.

سازش می‌سندید با هیچ بهانه

کز خون شهیدان رودی است روانه

از ریشه ببرید آن دست که در باغ

می‌کند شکوفه، می‌سوخ‌ت جوانه (بهبهانی، ۱۳۶۰، شعر سازش می‌پسندید، ۹۵)

۵-۳-۳- ستایش روحیه دلاوری و شجاعت جوانان در برابر ظلم

همچنین دلاوری و شجاعت جوانان را در مقابل دشمنان و در میدان نبرد حق علیه باطل بسیار زیبا و باور نکردنی در شعر «تردید» به تصویر می‌کشد.

...

خون است جوشیده، خون است... بر خار و سنگ

تکرار «هر یوم و هر ارض» مشکل که آسان برآید؛

حق پاک، حق ناب، حق محض، در یک زمین بود و یک روز؛

و آمیزه‌ی حق و باطل در هر زمین هست و هرگاه؛ (بهبهانی، ۱۳۷۱، ۱۸۸)

حس وطن دوستی و دفاع از هم‌نوعان در جنگ نابرابر آنچنان در بهبهانی متحول شد که از دلاوران و پاسداران وطن در شعر «بنویس» اینچنین قدردانی می‌کند.

نستوه، نستوه مردا! این شیردل، این تکاور؛

مردانه تا مرگ رفتند - بنویس، بنویس، آری... (بهبهانی، ۱۳۷۱، ۱۹۲)

بهبهانی ایثارگری و دلاوری جوانان کشورش را که جسم و جان خویش را بر کف نهاده و با شجاعت در مقابل دشمنان ایستادگی نمودند و از مرز و بوم و مردمان کشورش حفاظت نمودند در شعر «شلوار تا خورده دارد» اینچنین به تصویر می‌کشد؛

شلوار تاخورده دارد مردی که یک پا ندارد؛

...

بس نوجوان است و شاید از بیست بالا ندارد. (بهبهانی، ۱۳۷۱، ۲۴۵-۲۴۶)

۵-۳-۴- تشویق جوانان در بازسازی وطن و امید به زندگی

او بعداز پایان جنگ تحمیلی، جوانان را امیدوار به ادامه زندگی در میهن ویرانشان می‌کند، حس - ایثارگری و مقاومت آنان را در برابر ناملایمات پس از جنگ اینچنین زیبا بر می‌انگیزد؛

دوباره می‌سازمت، وطن! اگرچه با خشت جان خویش؛

ستون به سقف تو می‌زنم، اگرچه با استخوان خویش؛

دوباره می‌بویم از تو گل، به میل نسل جوان تو؛
دوباره می‌شویم از تو خون، به سیل اشک روان خویش؛ (بهبهانی؛ ۱۳۶۲، شعر دوباره می‌سازمت وطن،

(۹۷)

۶- بحث و نتیجه گیری

با توجه به موضوع بحث مهمترین شاخصه‌هایی که در اشعار ژاله قائم مقامی در خصوص جوانان برداشت شد عقب‌ماندگی زنان و جوانان زمانش بود و بیداری آنان و نشان دادن راه ترقی آنان و رفع گرفتاری همجنس‌انسانش و تعدیل حکومت مطلقه‌ی مردان بالاخره دفاع از حقوق پایمال شده زن از مهم‌ترین شاخصه‌هایی بود که در اشعارش به وضوح یافت شد. به طور کلی در یک بیت می‌توان به قصد و نیت او پی‌برد:

دردا که درین بوم ظلمناک
زنا نه پناهی نه داورست

در اشعار پروین اعتصامی اینچنین برداشت شد که او راه سعادت و شارع حیات و ضرورت دانش و کوشش را به طرزی دلپسند بیان می‌کند و به جوانان می‌گوید که در دریای شوریده‌ی زندگی با کشتی علم و عزم، راهنورد باید بود و در فضای امید و آرزو با پر و بال هنر، پرواز باید کرد. او با اشعار شیرینش آنان را بسوی سعی و عمل، امید حیات، اغتمام وقت، کسب کمال و هنر و همت و فضیلت رهنمایی می‌کند؛

دیوانگی است قصه تقدیر و بخت نیست
از بام سرنگون شدن و گفتن این قضاست

در آسمان علم عمل برترین پر است
در کشور وجود هنر بهترین غناست

میجوی گرچه عزم تو ز اندیشه برتر است
میپوی گرچه راه تو در کام ازدهاست

البته او معنی استقامت و پایداری و مبارزه علیه ظلم و جور را بدلیل حکومت زمانش در پرده‌ی لفافه و مناظره به تصویر می‌کشد که برای دریافت معانی حقیقی باید به باطن سخن پی‌برد همچنان که خود اینچنین می‌گوید.

در سخن مخفی شدم چون رنگ و بو در برگ گل
هر که خواهد دید، گو اندر سخن ببند مرا

با مطالعه‌ی اشعار سیمین بهبهانی می‌توان متوجه شد که نگاه اجتماعی سیمین در سه دهه‌ی آخر کاملاً پررنگ و مشهود است. البته تجربه‌ی زندگی اجتماعی از ابتدا با او در شعرش منعکس می‌شده تا آنجا که خودش می‌گوید: «شعرم تجربه‌ی لحظه‌هاست گویی که زمان را و لحظه‌ها را جرعه جرعه، نوشیده‌ام گاه شیرین و گاه تلخ، و همه‌ی جرعه‌ها بتدریج، با خون و گوشتم در آمیخته است، با جوانیم جوانی کرده و شور برآورده و با خشمم به خروش آمده، فریاد شده گاه رسا و گاه نارسا...».

او جوانان را به بیرون، به دنیای پر آشوب و پر خروش و تلاطم بیرون می‌کشاند او بدین امید آنها را به دنیای بیرون می‌کشاند تا در ناورد بزرگ نور با تاریکی فعالانه شرکت کنند و دست کسانی را که گرم کار بریدن و کندن و شکستن شاخه‌های نورند، از دامن هستی و حیات کوتاه کنند؛ در یک کلام اینچنین جوانان را به استقامت و پایداری فرا می‌خواند؛

سازش می‌پسندید با هیچ بهانه کز خون شهیدان سیلی ست روانه
از ریشه ببرید آن دست که در باغ می‌کند شکوفه، می‌سوخند جوانه

«ازغزل سازش می‌پسندید»

فهرست منابع

- کتب:

- ۱- اعتصامی، پروین، بی‌تا، دیوان پروین اعتصامی، انتشارات جرس.
- ۲- اعتصامی، پروین، (۱۳۶۹)، اشعار پروین اعتصامی، انتشارات ایران زمین.
- ۳- ابومحسوب، احمد، (۱۳۸۲)، گهواره سبز افرا، زندگی و شعر سیمین بهبهانی، انتشارات ثالث.
- ۴- اکبری، چاوش؛ تبریزی، رحیم، (بی‌تا)، حکیم بانوی شعر فارسی، زندگی و شعر پروین اعتصامی، انتشارات ثالث.
- ۵- بهبهانی، سیمین، (بی‌تا)، مجموعه اشعار، انتشارات نگاه.
- ۶- دهباشی، علی، (۱۳۸۳) زنی با دامن شعر، جشن نامه سیمین بهبهانی، انتشارات آگه.
- ۷- قائم مقامی، عالمتاج (ژاله)، (۱۳۸۹)، دیوان عالمتاج قائم مقامی، اراک.

- ۸- کراچی، (۱۳۸۹)، بررسی زندگی و شعر ژاله قایم مقامی، اراک.
 ۹- متولی، سپیده، (۱۳۸۲)، بررسی مقایسه تغزلهای غاده اسمان و سیمین بهبهانی، بی‌نا

- پایان نامه ها:

- ۱۰- شفیع‌زاده، رضا، (۱۳۹۰)، بررسی موضوع مقاومت در اشعار فدوی و سیمین بهبهانی، دانشگاه واحد بابل، استاد راهنما دکتر حسینی.
 ۱۱- شالیکاران، مائده، (۱۳۸۵)، بررسی مفاهیم مرتبط با مقاومت و پایداری در اشعار سیدحسین حسینی فر، دانشگاه واحد قائمشهر.

- مقالات:

- ۱۲- آموزش و پرورش، (۱۳۵۷)، سیمین بهبهانی، نشریه علوم تربیتی، دوره چهل و هفتم، شماره ویژه ۲، صص ۱۶۲-۱۶۳.
 ۱۳- خلیلی جهان تیغ و قدیر، (۱۳۹۰)، مقایسه‌ی شعر و زندگی امیلی دیکنسون و ژاله قائم مقامی، نشریه علمی پژوهشی ادبیات تطبیقی، سال سوم، شماره ۵.
 ۱۴- رحیمی، سیدمهدی، (بی‌تا)، نقد اخلاقی اشعار پروین اعتصامی با محوریت متون اسلامی.
 ۱۵- زواریان، راضیه، (۱۳۸۵)، سیمین بهبهانی، نشریه رودکی، شماره ۸، صص ۳۰-۳۷.
 ۱۶- صادقی، (۱۳۹۰)، تبیین مؤلفه‌های هویت سنتی مدرن زن در شعر پروین اعتصامی.
 ۱۷- علیپور، پوران، (۱۳۹۱)، معرفت‌شناسی تطبیقی مفهوم «زن» در جهان متنی شعر شاعران زن معاصر، نشریه ادب و زبان، شماره ۳۱، صص ۲۲۹-۲۵۹.
 ۱۸- گرجی، مصطفی و همکاران، (۱۳۸۹)، مفهوم درد و رنج در نگاه شاعران معاصر، مجله نقد ادبی، س ۳، ش ۹، بهار ۱۳۸۹، صص (۱۴۱-۱۶۲).

- ۱۹- مؤید، حشمت، (۱۳۶۸)، جایگاه پروین اعتصامی در شعر فارسی، نشریه ادبیات و زبانها- ایران- شناسی، شماره ۲، صص ۲۱۲-۲۳۹.